کر جهت یابد شرکت پیش شمس بود این چنین   قصد کردن بد بود کرمابه رفتن همچنین
چون فتد در برج جوزا نور جرم ماهتاب   پیش ترکان خطا رده که چو یابند صواب
هم توان دیدن کتاب علم هم توان دیدن امیر   هم توان نامه نوشتن هم نگاران خبر
جامه پوشیدن روا هم سعی کردن روا است   لیک ناخن از گرفتن قصد حلقت خطا است
ماه چون در برج خرچنگ آید نکو باشد نکو   جامه پوشیدن سعی کردن دارو خوردن شاید دارو
دارو مسهل او خوردن عجب درخور بود   نامه نوشتن به کوه از همه بهتر بود
میشود کرمابه رفتن مو بگرفتن و نیک   قصد تزویج بنای نو نهادن سخت نیک
ماه اهو سیر چون جرم افکند در برج شیر   نیک باشد عقد بستن سخن بگرفتن دلیر
قصد کار آن حاجت شاهان خواستن   از بر تاجداران تاج تخت آراستن
پیش ترکان خطا رده کو او پادشاه است   لیک نو پوشیدن جامه سفر کردن خطا است
چون ز اسد آید بسوی سنبله   باره جو را نیست باید شدن با قافله
نو بریدن نکو شاید زهی بهتر و کار   خاص را تعلیم کردن عامیان را انکار
خوش بود پیش شمس بود بنای سرو قد   بد بود بر زرگر خاصه علاج قصد عقد
همچو در میزان بود نیکو بود کرم و نیز هم   هم سفر هم عقد هم جو هر چه از ترس هیچ
جامه نو پوشیدن و نوشیدن آنکه جام حی   خاصه بر بانگ سماع چنگ و نای و چنگ نی
نیک صلح مه بکند در عقرب هر زه درج   هر که کار آرد گرد نیک دید رنج نا فرج
ماه چون در عقرب آید نیک باشد یک شبی   خوردن دارو رد کردن طعام غرغره
هم جراحت بسته شاید هم چنین بیاشتن   هم شدن کرمابه هم بر خصم شاید تاختن
اسب تاختن شاید یافت کردن ناخن کرد   لیک هیچ کار را هرگز نباید سعد مند
ماه چون در قوس باشد نیک باشد هر کار   اولش تعلیم تزویج آخرش قصد شکار
هر که پیش جو هر چه خواهد کند باید بجل   جامه نو پوشد بر قاضی رود سازد سجل
قرض دادن مستوفی هم کن کشتی بد بود   در کجا مسهل خورد پیشک عدو خود بود

ماه چون در جدی شد کار نیز راندن در خور است   جامه پوشیدن خوش است و بیکی در انگشتر است
جادو بیها ساختن بس با خدا ابروز پناه   میشود خاصه عطارد در نظر باشد جاه
نیک باشد نقل پیش کار با قصد را   بد بود در دیدن شاهان لبستن عقد را
ماه چون در دلو آید کردن شاید حیو حیله   از بر اکسیر کار بستن میثاق عهد
نیک باشد نیک هم کار دید اقبال بخت   برده ماندن با خریدن یا نشانیدن درخت
حصنها قلعه ها شاید بنا کردن رصد   لیک نعل قصد تزویج زنان دو شیزه بد
چون قمر در حوت آید نیک بنود شگفت   فصد کردن اوستاد و پای را ناخن گرفت
لیک تعلیم نیک باشد دیدن ما شرافه نیز   کوتر با جرخ کهن پوشیدن نو جامه نیز
هم قبا و هم کلاه موزه هم پیرهن   قابچ درتن باشد شرا جمله بخشیدن

فصل در بیان نظرات کواکب

نظرات کواکب باین طریقه ست که آفتاب در هر برجی باشد دوم آن ساقط بعد از آن تسدیس بعد از آن تربیع بعده تثلیث بعد از آن ساقط بعد از آن مقابله باز تربیع و باز تثلیث بعده ساقط بعد از آن مقابله باز تربیع باز تثلیث و بعده ساقط و باز تسدیس و باز تربیع اما هبوط آن است که دو کوکب در یک برج و یک درجه و یک دقیقه و یکدقیقه باشد یعنی درجه آن ستاره مساوی بود با درجه این دیگر واو در محل قران آن است که سه در یک برج است اما شرف آنکه هر کدام کوکب در برج معین او شرف او باشد در محل خانه در کار نیک است از برای تسخیر سلاطین و تحصیل مال و مرتبه جاه این جمله اعمال باید دانستن اینها بر عامل لازم است واحد علم باید دانست که اگر آفتاب در حمل باشد حمل در ثور نظر ساقط و در جوزا تسدیس و در سرطان تربیع و در اسد تثلیث و در سنبله ساقط و در میزان مقابله و در

King Saud University
Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)